

تئیه‌های روز

تشریح جزئیات نرخ رشد ۴/۶ درصدی اقتصاد چند هفته بعد از اعلام بانک مرکزی

آمار نبود مقایسه بود!

وزیر اقتصاد: رشد ۴/۶ درصدی نسبت به ۹۰ نبوده و نسبت به تولید سال ۹۰ همچنان فاصله داریم

باید اشتغال مولد فراهم شود و اشتغال مولد تنها با رشد اقتصادی مناسب به دست می آید



صفحه ۵

تصرف ۲ شهر استان دیاربکر ترکیه توسط شبه نظامیان کرد

کوبانی در یک قدمی فاجعه

پس از تصرف بخش‌هایی از تپه راهبردی مشرف به شهر کوبانی سوریه، اینک خبرها از تصرف ۳ منطقه در شرق این شهر به دست تروریست‌های داعش حکایت دارد. این در حالی است که به اذعان بسیاری از کارشناسان، حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح ضد داعش با محوریت آمریکا، نتوانسته‌است جلوی پیشروی این گروه تروریستی را بگیرد. مرکز موسوم به دیدبان حقوق بشر سوریه ...

صفحه ۱۵

حق خوری فوتبال و حقی که از فوتبال می‌خورند

این چرخه معیوب

صفحه ۱۴

انتخاب

نفوذ هزاران تروریست به الانبار

رئیس شوروی استان الانبار تأکید کرد ۳ هزار نفر از عناصر داعش از طریق موصل و سوریه وارد این استان شده‌اند. این درحالی است که روز دوشنبه در جریان درگیری نیروهای عراقی با تروریست‌ها در استان الانبار، ۳۰ تن از عناصر داعش به هلاکت رسیده بودند. «صبح کرجوت» در گفت‌وگو با شبکه عراقی سوریه‌نیوز، اطلاعات به دست آمده درباره نفوذ این تعداد از عناصر داعش به الانبار را موثق دانست و این امر را موجب ناامنی شدید این استان عنوان کرد. او گفت: «عناصر داعش علاوه بر تانک، نفربرهای نظامی و زرهی، توپخانه و خمپاره‌انداز، به انواع سلاح سنگین، ضربه و شانه‌زن با برد ۴ کیلومتر مجهز هستند». کرجوت از دولت عراق خواست نیروهای استان الانبار را به انواع سلاح و امکانات لازم و جدید جهت مقابله با تروریست‌های داعش مجهز کند تا آنها بتوانند منافقانی را که اخیراً داعش بر آنها کنترل یافته آزاد کنند.

حمله جنگنده‌های ائتلاف

به مواضع نیروهای صدر

حملات هوایی جنگنده‌های ائتلاف ادعایی مبارزه با داعش در عراق و سوریه همچنان از میان غیرنظامیان و نظامیان این دو کشور قربانی می‌گیرد. در تازه‌ترین مورد، جنگنده‌های این ائتلاف، عصر سه‌شنبه به مواضع نیروهای صدر در عراق حمله کردند و تعدادی شهید و زخمی برج گذاشتند. به گزارش رسانه‌های خبری، جنگنده‌های ائتلاف بین‌المللی به‌اشتباه مواضع گردان نظامی سربایان اسلام وابسته به جریان صدر را در منطقه طوزخورماتو هدف حمله قرار دادند که در نتیجه آن شماری از نیروهای این گردان‌ها شهید یا زخمی شدند. منابع آمریکایی اما ادعا کردند این حمله به صورت اشتباهی (۱) انجام شده است. براساس این گزارش، گردان نظامی سربایان اسلام، در شکست محاصره منطقه شیعه‌نشین امرلی مهم‌ترین نقش را ایفا کرد. همزمان با این عملیات عجیب و مشکوک، یک خودروی بمب‌گذاری شده از سوی تروریست‌های تکفیری، در مقابل یکی از مقرهای سربایان اسلام در جنوب تکریت و در خط مقدم درگیری با داعش منفجر شد که به کشته شدن ۱۵ و زخمی شدن ۲۰ نفر انجامید. هنوز مشخص نشده که این دو عملیات، با یکدیگر ارتباط داشته‌اند یا به صورت اتفاقی طی یک روز به وقوع پیوسته‌اند.

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

تأکید روحانی بر مسؤولیت پذیری دانشگاهیان در حوزه‌های مختلف کشور

تنها دولت مسؤول اقتصاد نیست

روحانی: اداره کشور بدون سعه‌صدر امکان‌پذیر نیست

اعتراض مجدد تشکل‌های دانشجویی به حذف از برنامه رئیس‌جمهور

صفحه ۲



عکس احسان‌نژاد نیوز ایران

ظالمانه»... به ایشان رأی دادند و حتی اصولگرایی که از سر اعتراض به بزرگانی که نتوانستند در نهایت اجتماعی را که قول داده بودند بین کاندیداهای اصولگرا برقرار کنند، به کاندیدای رقیب رأی دادند و در واقع با این رفتار اعتراض و ناخرسندی خود را از این تکتک به ریش سفیدان و بزرگان جریان اصولگرایی نشان دادند ...

۱- این بسیار بعید است و جای تأسف دارد که استاد فرهیخته‌ای چون حضرتعالی از تبارشناسی مطابق با واقع رأی مردم در این سطح غافل باشد! چه اینکه عالم سیاست حد و رسم‌های خشک و بی‌انعطاف منطقی را بر نمی‌تابد و رفتارهای سیاسی مردم، بویژه در جامعه‌ای مثل ایران، بسیار سیال‌تر از آن است که بتوان آن را در چارچوب‌های از پیش تعیین شده قرار داد! یا اینکه نه، ممکن است حضرتعالی به همه این حقایق اشراف داشته باشید اما مصلحت‌هایی (۱) ایجاب می‌کند که از بیان آن بپرهیزید! که در این صورت باید تحلیل‌هایی خلاف واقع درحقیقت ایشان را به چاهی از توهمات بی‌بست‌توانه سقوط می‌دهند و نتیجه آن می‌شود که مثلاً در ماجرای شبیه انتخابات ۸۸ دچار این توهم مایلتولایی می‌شوید که آنها «بی‌شمار»! و وقتی از ایشان سندی بر اثبات مدعایشان طلب می‌شود می‌گویند «یا ما برداهیم، یا تقبل شده است!» غرض اینکه، شما تنها در شرایطی می‌توانید رأی فردی را منحصر یک «رأی گفتمانی» قلمداد کنید که اولاً تکتک کاندیداهای متعلق به یک جبهه فکری رأی یکدیگر را تحت‌الشعاع قرار نداده باشند، گذشته از آن شرایط کشور عادی باشد و افکار عمومی نامزدها را به لحاظ توانمندی‌های عملیاتی در سطح نسبتاً برابری ارزیابی کند و علاوه بر آن میزان شناخته‌شده بودن آنها هم تا اندازه‌ای برابر باشد، در واقع تنها در صورتی که یک «دوقطبی» تماماً گفتمانی» بین کاندیداها وجود داشته باشد، می‌توان چنین استنباطی را روا دانست- تا حدودی شبیه فضایی که در سال ۸۸ وجود داشت- در غیراین صورت بر عرض معذرت چنین تلقی بسیار ساده‌اندیشانه و ظاهرپنانه خواهد بود و شما را دچار مغالطه «پهلوان‌پنیه» خواهد کرد! با همه این احوال آیا شما همچنان اصرار دارید به جنگ چیزی بر روی متبوع وی از این تحریم‌ها و نیز اتفاقاتی که در حوزه معیشت مردم افتاد، شرایط را برای حضور وی در عرصه سیاسی فراهم کرد. یعنی روحانی توانست وارد رقابت شود. اما آنچه او را پیروز رقابت کرد، تنها تحریف می‌تولید، بماند که تحریفی که برای روحانی ایشان را ندارد و در نبرد استدلال‌ها دست‌خوش راه تپه یافته است، به حقیرترین حربه ممکن توسل جسته و روی به توهین و اتهام آورده است و کسی را که حرفی برای گفتن هست، چه نیاز به اینترفندهای کودکانه‌نیزخما؟!

پرریش‌های یک «کم‌سواد» از دکتر صادق زیباکلام!

سیده‌زاده‌امامی \*

«وطن امروز» به جناب آقای دکتر قالیباف رأی داده‌اند، لیکن با اطمینان قاطع اعلام می‌کنم بین بنده و این دوستان کمترین اختلافی در گفتمان و آرمان‌های انقلاب از جمله «استکبارستیزی» و «ضرورت مقاومت در برابر نظام سلطه تا تحقق کامل آرمان‌های انقلاب و احقاق همه حقوق ملت»- به‌ویژه حقوق هسته‌ای - وجود ندارد و در این موارد اگر شدت پایبندی بسیاری از این دوستان و دوستان دیگری که به سایر کاندیداهای اصولگرا رأی داده‌اند به این گفتمان و آرمان‌ها، بیشتر از بنده- که به آقای جلیلی رأی داده‌ام- نباشد، به یقین کمتر نخواهد بود. کافی است برای اطمینان از این ادعا رحمت بکشید و به عنوان مثال صرفاً آرشو همین روزنامه محترم را مثلاً از تاریخ «سوم آذر» سال قبل تا به امروز بازبینی بفرمایید؛ و نتنها درباره رأی‌دهندگان به آقای قالیباف که چنین ادعایی را حتی درباره رأی‌دهندگان به آقایان ولایتی و رضایی نیز تکرار می‌کنم، در واقع شرایط به گونه‌ای بود که به سبب تکتک کاندیداهای اصولگرا، بسیاری از ما در بنده جریان اصولگرایی در بین نزدیکان و اطرافیان اصولگرای خویش بعضاً با ۴ رأی متفاوت مواجه بودیم؛ گروهی به آقای جلیلی رأی دادیم، گروهی به آقای قالیباف، گروهی به آقای ولایتی و گروهی به آقای رضایی! بدون اینکه کمترین اختلاف گفتمانی با هم داشته باشیم و قطعاً اگر آقای دکتر حدادعادل نیز در رقابت باقی می‌ماندند، بی‌تردید بخشی از رأی آقای جلیلی به سید ایشان ریخته می‌شد، کما اینکه بخشی از رأی دیگر کاندیداهای اصولگرا نیز، حتماً در آن صورت شما معقدان به گفتمان انقلاب را از این هم کمتر می‌دانستید! (لازم است در این فراز اشاره‌ای داشته باشیم به اظهارات آقای عارف در نخستین یا دومین برنامه تبلیغاتی ایشان که از اینکه به همه سلیقه‌ها فرصت حضور داده شده بود ابزاف خوشنودی کرد، البته با چاشنی‌ای از طعنه و کنایه! آقای عارف گفت در این انتخابات همه سلیقه‌ها هستند، ۵ کاندیدی اصولگرا (که مقصود ایشان آقایان جلیلی، قالیباف، حدادعادل، ولایتی و رضایی بود)، ۲ کاندیدی مستقل (آقایان روحانی و غرضی) و خود را به عنوان تنها کاندیدی اصلاح‌طلب معرفی کرد، زمانی هم که از ادامه رقابت انصراف داد، فقط انصراف داد و به نفع هیچ فردی کنار نرفت و هیچ توصیه خاصی نسبت به هیچ فرد خاصی نداشت!)

۲- گذشته از این اصل کلی و بدیهی- که بعید است استاد فرهیخته‌ای چون حضرتعالی مخالفتی با آن نداشته باشد- باید به عرض برسانم نه‌تنها عدم پایبندی رأی‌دهندگان به سایر کاندیداهای اصولگرا به گفتمان انقلاب- البته به‌زعم شما- دلیل این امر نبود که اتفاقاً پایبندی و تعهد بنده جریان اصولگرایی به آرمان‌ها و اصول گفتمان انقلاب دلیل این امر بود؛

نگاه

جناب آقای دکتر زیباکلام! اظهارات و موضع‌گیری‌های شما مدتی است خبرساز شده و نام شما را بیش از گذشته در رسانه‌ها مطرح کرده است؛ در مطالب اخیر شما- بویژه در نام‌های که قبل از عزیمت آقای روحانی به نیویورک برای ایشان نوشتید- مواردی شایسته پرسش یافتم و از جایگاه منتقدی که در دولت مطلوب شما مفتخر به دریافت عنوان «کم‌سواد» شده‌ایم، آنها را محضر شما عرضه می‌دارم، امید که حداقل از منظر استادی «صادق» نگاهی به مطالب اینجانب که در حد و اندازه‌های دانشجویان شما محسوب می‌شوم، داشته باشید.

نخست اشاره اینجانب به ادعایی است که بیش از یک‌سال است شما در صد القا و اثبات آن هستید تا از آن به‌مثابه مقدمه‌ای برای استنتاج نتایج و تحلیل‌های خاصی بهره‌جوید و بدیهی است که اثبات بی‌اساسی مقدمات، نتایج استنباطی را نیز فاقد اعتبار و تحلیل‌های مبتنی بر آن را ناموجه خواهد کرد. آن مقدمه ناصواب اصراً عجیب شمامت در منحصر دانستن معقدان به گفتمان انقلاب - که صرفاً یکی از تجلیات آن «استکبارستیزی» در ساحت بین‌الملل و «ایستادگی و پافشاری بر حقوق مسلم ملت» در ساحت داخلی است - در رأی‌دهندگان به آقای دکتر جلیلی، تا به‌زعم خود با فروکاستن متمهدان به اصول و آرمان‌های انقلاب در رأی‌دهندگان به آقای جلیلی و القای تفاوت گفتمانی بین رأی‌دهندگان به کاندیداهای اصولگرای حاضر در رقابت انتخاباتی سال گذشته، تولیخاً نتیجه بگیرید در جامعه امروز دیگر انقلابی‌گری و اصرار بر اصول و آرمان‌های انقلاب محلی از اعراب ندارد و زمان آن رسیده است که بتوان بر برخی از آن اصول چشم پوشید و احیاناً راه دیگری در پیش گرفت!

حال آنکه فساد این استدلال به همان مقدمه ناصواب بازمی‌گردد و بالطبع بطان این مقدمه نتایج مبتنی بر آن را نیز فاقد اعتبار می‌کند.

۱- نخستین و بدیهی‌ترین نکته اینکه کاملاً طبیعی است که وقتی افراد متعددی از یک جریان و با یک پرچم به میدان انتخابات می‌آیند، هوادارانی را که مایل‌الاشتراکشان همان پرچم است، بین خود تقسیم می‌کنند و هر کسی با استناد به جزئیاتی که او را از دیگری متمایز می‌کند، گزینه خاصی را انتخاب کرده و به او رأی می‌دهد و این اصلاً به معنای اختلاف گفتمانی بین رأی‌دهندگان به کاندیداهای یک جریان واحد نیست.

اگرچه مرسوم نیست در چنین محالی برای اثبات یک ادعای کلی دست به دامان مصادیق جزئی و عینی شوید، لیکن اتفاقاً ماهیت این مدعا به گونه‌ای است که برشمردن مصادیق جزئی اگر نگوییم آن را اثبات می‌کند، لاقال به اثبات آن کمک شایان می‌کند و حداقل به عنوان مثال نقضی بر ادعای مقابل - یعنی ادعای شما - بطان آن را متجلی می‌کند و آن اینکه مثلاً بنده به آقای دکتر جلیلی رأی داده‌ام اما تا اینجا که اطلاع دارم اکثر دوستان من در روزنامه محترم

یادداشت روز

شلیک ظریف

به استقلال روحانی

سیدعبیدین نورالدینی

آقای روحانی چند ماه قبل صراحتاً گفت او مسؤول مذاکرات هسته‌ای است و مسؤولیت این مذاکرات را نیز می‌پذیرد. حتی تصریح کرد او رئیس‌جمهوری نیست که اگر فردا مشکلی پیش آید، بگوید تیم مذاکره‌کننده خراب کرده است. رئیس‌جمهور گفت تیم هسته‌ای با او کاملاً هماهنگ است و به تیم هسته‌ای‌اش قوت قلب داد. روحانی شیخ دیپلمات است و «هذا رجل المذاکره». بنابراین دربارہ آنچه جواد ظریف در شورای روابط خارجی آمریکا به بار آورد، قطعاً ملاحظاتی دارد. شاید یکی از ملاحظات روحانی، تأثیر معکوس این رفتار آقای ظریف بر مذاکرات و ساختار تعامل با غرب باشد. درباره این موضوع باید چند نکته را مورد توجه قرار داد.

۱- آمریکایی‌ها به هر دلیل اکنون یک ساختار محاسباتی تثبیت شده نسبت به مقوله ایران و تحریم‌ها دارند. آنها معتقدند تحریم‌ها باعث تغییر در رویکردهای ایران شده است. در اظهارنظرهای مقامات دولتی آمریکا این ذهنیت را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. باراک اوباما نیز در سطحی فراتر از دیگران نسبت به تأثیرگذاری تحریم‌ها در تغییر فرمول رفتاری ایران مدعی است. او چندی پیش در مرکز سابان مدعی شد تحریم‌ها توانست تا سطح ریاست جمهوری ایران، تغییرات ایجاد کنند. در واقع او به گراف مدعی است روحانی محصول تحریم‌های او است. به همین دلیل آنان به‌راحتی حاضر به لغو یا تعلیق تحریم‌ها نیستند چرا که معتقدند تحریم اهرم فشار قدرتمندی علیه ایران است و نتیجه آن را نیز در انتخابات ۱۳۹۲ ایران مشاهده کرده‌اند. تجویز همین نسخه در مواجهه با روسیه نیز به دلیل باور آنها به نسخه تحریم است.

۲- آنچه جواد ظریف در شورای روابط خارجی آمریکا به هاله اسفندیاری گفت، یک ضربه حیثیتی به دولت هم بود. ظریف بقای دولت روحانی را وابسته به نوع رفتار طرف مقابل (آمریکایی‌ها) در مذاکرات هسته‌ای دانست! ظریف علت شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۳۸۴ را رفتار آمریکا در قبال مذاکرات هسته‌ای آن زمان می‌داند و اکنون هم معتقد است اگر طرف آمریکایی راضی نشود، آنها جایی در فضای سیاسی ایران نخواهند داشت و پهلارستان را به حریف می‌بازند. اوپاما ۹ دسامبر ۲۰۱۳ در سابان گفت: «مردم ایران به تحریم‌ها اینگونه پاسخ گفتند که می‌خواهیم روشی جدید برای برخورد با جامعه بین‌الملل و همچنین تحریم‌ها را مشاهده کنیم و همین مساله بود که موجب رای آوردن روحانی شد و حسن روحانی را به قدرت رساند». اکنون ظریف با اظهارات خود این ادعا را تقویت کرده و می‌گوید بقای روحانی نیز وابسته به لغو تحریم‌ها است! آنچه ظریف گفت - فارغ از اثرات مخرب آن بر افکار عمومی و نیز تبعات آن برای نظام الگوی محاسباتی آمریکا در نحوه مواجهه با ایران را نیز تقویت می‌کند. در واقع اظهارنظر در شورای روابط خارجی آمریکا تأیید ادعای خطرناک اوپاما در سخنرانی سابان است. آیا این رفتار آقای ظریف به سود دولت آقای روحانی و روند مذاکرات است؟ ضمن اینکه خط آقای ظریف مبتنی بر «هر توافقی از عدم توافق بدتر نیست» نیز بار دیگر نیاز دولت آقای روحانی به توافقی را القا می‌کند و البته باز هم مقوم تحلیل‌های آمریکایی‌ها از نحوه مواجهه با ایران است.

در کنار این واقعیت، اما به نظر می‌رسد واقعیت ماجرا یعنی به قدرت رسیدن آقای روحانی و شاید هم بقای او در قدرت آن چیزی نباشد که اوپاما و ظریف تصور می‌کنند.

آیا روحانی محصول تحریم‌های آمریکا علیه ایران است؟ پاسخ این سوال منفی است. واقعیت آن است که آقای روحانی محصول یک فرآیند سیاسی است که البته تحریم‌ها نیز در آن نقش داشته است. در واقع تحریم‌ها شرایط را برای بازگشت آقای روحانی به فضای سیاسی فراهم کرد و به بازگشت او به قدرت، آقای روحانی پس از شکست مذاکرات هسته‌ای در دوره اصلاحات، تقریباً به انزوی سیاسی رفت اما تحریم‌ها و ترجمه داخلی جریان متبوع وی از این تحریم‌ها و نیز اتفاقاتی که در حوزه معیشت مردم افتاد، شرایط را برای حضور وی در عرصه سیاسی فراهم کرد. یعنی روحانی توانست وارد رقابت شود. اما آنچه او را پیروز رقابت کرد، تنها تحریف می‌تولید، اکنون دیگر همه می‌دانند آقای روحانی ریاست جمهوری خود را بیش از هر چیز مدیون تشمت و چندپارگی جریان اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۲ است. از سوی دیگر او توانست از ایجاد یک دوگانه کاذب هسته‌ای نیز بهره‌برد و خود را نماد تغییر این وضعیت جلوه دهد.